نگاه سبز

اکبر همدانیان

عقده دل بگشاییم

از این ناراحتم که بعد از بیش از ۳۵ سال زحمات شبانه‌روزی در زمینه اجرایی رشته‌ها پنبه شـده؛ مشتی‌گری هر کشوری به داشته‌های تجدیدپذیر آن است. جنگل‌ها، مراتع، حیات وحش، زمین، آب و آنچه به حیات زیسـتمندان وابسـته اسـت منابعی هسـتند که جـداً نیاز به حمایت و حفاظت دارنـد. آنچه امروز به واسـطه عملکرد غیرکارشناسانه بعضی از مدیران وارث آنیم، اضمحلال تمام این منابع اسـت. دیگر از وجود گله‌های آهو، کل و بز، قوچ و میش و سایر گونه‌های زیبای دشـت‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها، تالاب‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دریاها اثری نیسـت. یا به کلی از بین رفته یا آنچه باقی مانده است بحرانی است. گوزن زرد، گورخر، خرس سیاه، یوز پلنگ، آهو، جبیر، انواعی از گربه‌های وحشی، خزندگان و تعداد زیادی از پرندگان از جمله هوبره، سیاه‌خروس، درنا، زاغ بور و شکاری‌ها همه راه انقراض را در پیش گرفته‌اند. چرا؟

عامه مردم عاشق طبیعتند. به دامن آن پناه می‌برند. خستگی‌های کاری‌شان را در آنجا از تن می‌زدایند. نفس عمیق می‌کشـند. چشم‌هایشـان را به دیدن مناظر جلا می‌دهند و راز خلقت را می‌فهمند. شعر می‌گویند. نقاشی می‌کنند، عکاسی از مناظر طبیعی را دیوانه‌وار دوست دارند، می‌نویسند؛ در مورد دماوند، سهند و سبلان، رودها، دشت‌ها، شکوفه‌ها، شقایق‌ها، لاله‌ها، خرامیدن کبک‌ها و آهـوان، هیبت شـیران و درس می‌گیرند از پرنده بافنـده، گیرنده‌های قوی خفاش‌ها، پرواز سرتاسـر مانور پرندگان شـکاری و می‌سـازند بر اساس همین الگوها تمامی ابزارشـان را.

از قوی‌تریـن رادارها گرفتـه تا غول‌پیکرترین هواپیماهـا. طبیعت با تمامی جلوه‌های پرراز و رمزش از دیرباز مظهر خلاقیت انسـان بوده و هسـت. هرچند ما با رفتار ناشایسـت به ویژه در یک قرن اخیر آن را به تباهی کشـانده‌ایم و از کرده‌مان نه‌تنها پشیمان نشده‌ایم، بلکه راه تخریب را ادامه می‌دهیم. در این میان کشورهایی که ادعای فرهنگ و تمدن می‌کنند و به آن می‌بالند برای کاهش این روند تخریب، تشـکیلاتی را ایجاد کرده‌اند تا ناظر بر اعمال ملت‌ها باشـند و در راه توسعه ملاحظات زیست‌محیطی را لحاظ کرده و خسران به منابع زیستی را به حداقل ممکن کاهش دهند. این تشکیلات که نامش وزارت یا سازمان محیط زیست است در اکثر کشورهای پیشرفته فعال است. ما نیز بیش از نیم‌قرن است که مدعی حفاظت و نگهداری طبیعت زیبای کشـورمان هسـتیم. در سـال‌های اخیر تجاوز و تخریب به اوج خود رسیده و عجیب آنکه از کردارمان متشکریم و در رسانه‌ها با جرات تمام از خودمان تعریف می‌کنیم یا به دنبال افرادی هستیم کـه از ما تعریـف کنند. چرا؟ تعریف ناصواب و غیرواقع چه سـودی دارد؟ بهتر نیسـت کمی جربزه به خرج دهیم و خودمان را به چالش بکشـیم و در پی علل ناموفقیـت خود باشـیم و حقایق را به مردم بیان کنیـم؟ به آنها بگوییم کارایی نداریم. تخصص هم نداریم.

دولت هم حمایت نمی‌کند. انگیزه کار را کشـته‌ایم. منابع زیستی را به تباهی کشانده‌ایم. اشغال پست کرده‌ایم.

آقـای رئیس سـازمان یا وزیر محتـرم لختی به عقب برگردید تـا ببینید بر صندلی‌ای که شما اکنون بر آن تکیه زده‌اید چه کسانی تکیه زده بودند و اکنون کجایند. آیا به نیکی از آنان یاد می‌شـود و منشاء اثرات ارزشمندی بوده‌اند؟ اگر جواب منفی اسـت درنگ جایز نیسـت چون فرصت جبران خرابی‌های گذشته اندک و توان جبران مافات از عهده‌تان خارج، و تنها راه نجات، اعتراف به ناتوانی و بیان حقایق اسـت. باشـد که ملت بزرگوار از این صداقت کردار دلخوش و از گناهتان در گذرند.

منبع: کلوت لوت

خبر

اعلام جرم یک تشکل زیست محیطی علیه عاملان آلودگی هوای تهران

کانون عالی گسترش فضای سبز و حفظ محیط زیست پیش‌نویس کیفرخواست علیه عاملان و بانیان آلودگی هوا در تهران و شـهرهای بزرگ کشـور را که نقش بارزی در مرگ و بیماری هزاران نفر از شـهروندان دارند تنظیم کرده و به زودی این کیفرخواسـت را تحویل دادسـتان کل کشور و دادستان تهران خواهد داد. به گزارش روابط عمومی کانون عالی گسترش فضای سبز و حفظ محیط زیست ایران، دبیرکل کانون با انتقاد شـدید از مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی و اقتصادی برخی در موضوع آلودگی هوای تهران که مستقیماً تضییع حقوق شهروندی را به دنبال دارد، گفت: برنامه جامع کاهش آلودگی هوای تهران مصوب سـال ۱۳۷۹ پس از ۱۰ سـال و در خوشـبینانه‌ترین حالت به ۳۰ درصد از اهداف خود هم نرسیده است و در این زمینه بدون مماشات باید با دستگاه‌های قاصر برخورد شود چراکه نتیجه آنچه اتفاق افتاده، تضییع حقوق مردم و وقوع جرم عمومی است که محرز اسـت و برخورد قاطع و سـریع مدعی‌العموم را طلب می‌کند. انصاری با اشاره به اظهارات یک مقام مسوول وزارت بهداشت که مرگ بیش از ۳۶۰۰ شهروند تهرانی را به تفکیک آلاینده‌ها مورد تایید قرار داده است، گفت: آنچه اتفاق افتاده، صدمات و خسارات سنگین جانی و مالی را برای کشور به همراه داشته است و به هرحال ناشی از سوءتدبیر، بی‌عملی و ساده‌انگاری برخی متولیان امر است که انتظار ما به عنوان فعالان جامعه مدنی برخورد مقتدرانه دسـتگاه قضایی با هر مقام و مسوولی در این خصوص است. دبیرکل کانون عالی گسترش فضای سبز و حفظ محیط زیست ایران با اشاره به میزان گوگرد موجود در گازوئیل‌های مصرفی در کشور گفت: میزان گوگرد استاندارد دنیا ۵۰ ppm و میزان استاندارد یورو۵ آن ۱۰ppm است در حالی که استاندارد مصرفی اتوبوس‌های شهر تهران که وزارتخانه مربوطه مکلف به تامین آن شـده ۵۰۰ppm است و آنچه در ناوگان‌های عمومی کشور مصرف می‌شود حداقل صد برابر استاندارد دنیاست. انصاری همچنین با بیان اینکه کوتاهی دستگاهی نافی سـازمان‌های دیگر نیست. از آموزش عمومی، اطلاع‌رسانی و فرهنگسازی به عنوان بخش فراموش شده برنامه جامع کاهش آلودگی هوا یاد کرد و گفت: بدون مشارکت عمومی مردم هیچ برنامه‌ای در کشـور عملیاتی نیسـت و زمانی که مردم به حقوق خود و منافع یک برنامه برای کشـور آشـنا نباشند میزان مشارکت آنها هم بالطبع کاهش خواهد یافت و به عکس در صورت شناخت حقوق خود در این باره خودشان پیگیر این مطالبات خواهند بود و این بخش دقیقاً همان قسمتی از برنامه است که کمترین پیشرفت را در ۱۰ سال گذشته داشته است. دبیرکل کانون عالی گسترش فضای سبز همچنین از تنظیم پیش‌نویس کیفرخواست کانون عالی گسترش فضای سبز و حفظ محیط زیست ایران علیه تضییع‌کنندگان حقوق شهروندی جهت ارائه آن به مقام دادستان خبر داد و گفت: با تکمیل این متن توسط کمیسیون حقوقی کانون سـایر فعالان، سازمان‌های مردم‌نهاد، اساتید دانشگاه و شهروندان صدمه‌دیده هم می‌توانند به امضاکنندگان این کیفرخواست بپیوندند. وی تاکید کرد: انتظار ما این است که دستگاه‌های نظارتی دارای ساز و کارها و اقتدار کافی جهت برخورد با این جرائم باشـند خصوصاً که در قوانین رسمی کشور موارد مختلفی از جمله ماده ۶۸۸ مجازات اسلامی به طور مشخص این مساله را مورد تاکید قرار داده است.

جمعیت آهو در منطقه کالمند یزد از ۱۵۰۰ راس در سال ۱۳۸۲به ۳۰۰ راس کاهش یافته است

حیات‌وحش در مسلخ

مژگان جمشیدی

اوضاع حیات‌وحش کشورمان بسیار بحرانی است! این واقعیتی است که سال‌هاست بسیاری از کارشناسان محیط زیست نسبت به آن هشدار می‌دهند اما هنوز هم مسوولان سـازمان محیط زیست این موضوع را جدی تلقی نکرده؛ اینقدر که هر سـاله با وجود فشار ناشی از خشکسالی بر زیستگاه‌ها و شکار غیرمجاز، باز هم این سـازمان اقدام به صدور پروانه شکار می‌کند. صدور یک هزار پروانه شکار در سال گذشته برای قوچ، کل، مرال و آهو تنها گوشـه‌ای از بی‌تفاوتی سازمان محیط زیست نسبت به وضعیت بحرانی حیات‌وحش کشورمان است که اگر در کنار این همه پروانه شکار صادر شـده، چندین برابر شکار غیرمجاز را هم اضافه کنیم، آن وقت عمق فاجعه بیشتر نمایان می‌شود. از سوی دیگر امسال نیز حکایت صدور پروانه‌های شکار برای شکارچیان داخلی و خارجی در کشور همچنان به قوت خود باقی است، به طوری که پرتال خبری سازمان محیط زیسـت به نقل از معـاون محیط طبیعی این سازمان، دستورالعمل صدور پروانه شکار در مناطق آزاد و دسـتورالعمل صدور پروانه «ویژه» شکار در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات‌وحش را برای اتباع ایرانی و خارجی به صورت جداگانه اعلام کرده است.

بر اساس این دسـتورالعمل‌ها تنها چیزی حدود ۴۰ درصـد از پروانه‌های شـکار در مناطـق آزاد که تحت حفاظت سـازمان محیط زیست قرار ندارند، به شکارچیان بومی و محلی تعلق می‌گیرد و ۴۰ درصد دیگر به شکارچیان غیربومی و ۲۰ درصد نیز به مدیران کل محیط زیست استان‌ها داده می‌شود تا آنها به هر کس که مایلند، اهدا کنند!

شـکار در مناطـق حفاظت‌شـده و پناهگاه‌های حیات‌وحـش نیز در قالب «پروانه‌هـای ویژه» مجاز اسـت. قیمت این پروانه‌ها عموماً چندین برابر قیمت پروانه‌های عادی شـکار است. به همین دلیل تنها به شکارچیان داخلی و افراد خاص که توان پرداخت این مبالغ را دارند اهدا می‌شود و نیمی دیگر از پروانه‌های شـکار ویژه نیز عاید شـکارچیان خارجی می‌شـود، بـه طوری که آنان در قبـال پرداخت چند هزار دلار می‌توانند از مزایای شـکار در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات‌وحش بهره‌مند شوند.

اینکه آیا شکار در شرایط فعلی با توجه به وضعیت بحرانـی گونه‌های جانوری در کشـور مجاز اسـت، موضوعی اسـت کـه همواره مورد اعتراض سـازمان محیط زیست و حتی گروهی از شکارچیان بوده است و مخالفان را به ناآگاهی متهم کرده‌اند. مدیران سازمان محیط زیسـت و گروهی از شـکارچیان سرشـناس معتقدند عدم صدور پروانه و ممنوعیت شکار در کشور حتی اگر برای یک دوره چندسـاله و به منظور آیش حیات‌وحش هم که باشد، باز هم باعث افزایش شکار غیرمجاز می‌شود و شـکارچیان غیرمجاز را به شکار بیشتر تشـویق می‌کند. این در حالی است که شکار غیرمجاز سال‌هاست در کشور صورت می‌گیرد و شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آن، عدم برقراری عدالت بین شـکارچیان بومی و غیربومی توسط سازمان محیط زیست بوده است.

تجربه نشان داده مادامی که مدیریت حیات‌وحش و مدیریت زیسـتگاه‌ها در کشـور ما به همان سبک قدیمی ادامه یابد، نه‌تنها شـکار غیرمجاز و کشـتار حیات‌وحش ریشـه‌کن نخواهد شد بلکه شاهد رشد روزافزون شـکار و تخریب زیسـتگاه‌ها هم خواهیم بود. تنها کافی اسـت دلایل آتش‌سـوزی‌های اخیر در پارک ملی گلسـتان را که منشاء آن، شکارچیان غیرمجاز بوده‌اند و گاه حتی عمداً اقدام به آتش‌افروزی کردند، بررسـی کنیم تا دریابیم که عدم مشـارکت دادن مـردم محلی در بهره‌برداری از منافع حاصل از زیستگاه‌ها و حیات‌وحش چه صدمات جبران‌ناپذیری به حیات‌وحش و زیستگاه‌های کشورمان وارد ساخته است چون تا زمانی که شکار در مناطق تحت حفاظت سازمان محیط زیسـت فقط برای گروهی شکارچی خارجی و افراد خاص داخلی مجاز باشد و مردم محلی محروم از این مواهب طبیعی باشند و سهم آنها تنها ۴۰ درصد ظرفیت شـکار آن هـم در مناطق آزاد (!) باشد و مابقی عاید شکارچیان غیربومی و سود ناشی از فروش پروانه‌های شـکار هم مسـتقیماً به حساب خزانه دولت واریز شـود و حتی یـک ریال هم عاید جوامع محلی نشود، طبیعی است که مردم نسبت به حفظ حیات‌وحش و جنگل‌ها و مراتع بی‌تفاوت باشند و اقدام به کشتار فله‌ای حیات‌وحش و حتی آتش‌افروزی در مناطقی همچون پارک‌های ملی گلستان کنند.

بـا این وجـود مدیران سـازمان محیط زیسـت همچنـان ترجیح می‌دهنـد بی‌توجه بـه همه این واقعیت‌ها و بی‌توجه به ظرفیت اکولوژیکی زیستگاه‌ها و اعتراضات کارشناسـان محیط زیسـت کار خود را در صدور پروانه‌های شـکار ادامه دهند تا ثابت کنند بقا و پایداری زیسـت‌بوم‌ها هیچ‌گاه برای این سازمان اولویت نداشته است.

نکته تاسـف‌آور اینکـه عواید حاصـل از فروش پروانه‌های شـکار در هر سال شاید به اندازه یک‌دهم عواید از حال صادرات یک روز نفت ایران هم نباشد، بنابراین این حق هر ایرانی اسـت که بپرسد اصلاً چه دلیلی دارد شورای عالی اقتصاد همچنان بر واریز این مبالغ به حساب خزانه اصرار ورزد؟ آیا به راستی از ما که بر روی دریایی از هیدروکربور نشسته‌ایم، رواست که حیات‌وحش کشورمان را اینچنین به مسلخ بفرستیم تا چند صد دلاری عاید کشـور شـود؟! در حالی که این مبالغ می‌توانسـت به جای خزانـه دولت صرف بهبود اوضاع حفاظتی همان مناطق و ترویج مدیریت مشارکتی یا حتی ایجاد شـرکت‌های تعاونی محلی پیرامون پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شـده شود تا مردم بومی به جای آنکه کلنگ تخریب به دسـت گیرند خود به حافظان افتخاری طبیعت تبدیل شوند.

■ ۵۰۰ میلیون گلوله در کمین حیات‌وحش

طبق گزارش‌های رسمی سالانه بالغ بر نیم‌میلیون سلاح مجاز و یک میلیون سلاح غیرمجاز حیات‌وحش کشور را نشانه می‌گیرد که با توجه به افزایش سهمیه فشـنگ بـرای هر تفنگ شـکاری تـا ۵۰۰ عدد در سال‌های اخیر در خوشبینانه‌ترین حالت می‌توان انتظار داشت حداقل ۵۰۰ میلیون گلوله حیات‌وحش کشور را نشانه گرفته که اگر فقط ۰/۰۱ درصد آنها هم به هدف اصابت کند، در نتیجه سـالانه نزدیک به یکصد هزار جانور اعم از پسـتاندار و پرنده و... از جمعیت وحوش کشـور کاسته می‌شود که البته آمار کاهش جمعیت وحـوش به خوبی ایـن مدعا را ثابـت می‌کند. اکبر همدانیان یکی از کارشناسان قدیمی سازمان محیط زیست و مدرس دانشکده محیط زیست دانشگاه آزاد یزد وضعیت حیات‌وحش در این اسـتان را این گونه توصیف می‌کند: طبق سرشـماری‌های صورت‌گرفته جمعیت آهو در منطقه حفاظت‌شده کالمند بهادران در اسـتان یزد، ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ راس در سال ۱۳۸۲ بـود اما اکنون این رقم بـه ۳۰۰ راس کاهش یافته، همچنین در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ جمعیت قوچ و میش و کل و بز در منطقه حفاظت‌شـده بافق حداقل ۳۵۰۰ راس بود که این رقم در سـال جاری و بر اسـاس سرشماری سازمان که دو سه هفته قبل انجام شده، به ۶۰۰ راس کاهش یافته است و علت این کاهش جمعیت نیز چیزی نیست جز شکار غیرمجاز!

وی می‌افزایـد: پـارک ملی سـیاه‌کوه و پناهگاه حیات‌وحـش دره انجیر نیز کـه دو مورد از بهترین زیستگاه‌های استان بودند، در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ به شدت ضربه خوردند. الان آمار دقیقی از این مناطق ندارم ولی تا قبل از سـال ۱۳۸۵ حدود ۲۵۰۰ راس شکار در این دو منطقه وجود داشت که در این سـال‌ها به شدت آسیب‌دیده و از بین رفتند. علت آن هم چیزی نبود جز صدور پروانه‌های «ویژه» شکار و گاه حتی گزارش می‌شد شکارچی‌ها در جریان شـکار تا ۱۵ شکار هم می‌زدند. البته در حال حاضر با زحماتی که روسـای این مناطق می‌کشند، امنیت تا حدودی برقرار شـده و تلاش می‌شود این مناطق به گذشته بازگردد.

■ فشار گرسنگی بر حیات‌وحش استان یزد

وی می‌افزاید: متاسفانه در حال حاضر خشکسالی هم مزید بر علت شده تا حیات‌وحش در اثر گرسنگی از بین بروند. هر چند با تلاش‌های مدیر کل محیط زیسـت استان یزد عملیات آبرسـانی در زیستگاه‌ها خوب انجام شده اما همچنان کمبود علوفه بر جمعیت چهارپایان تاثیرگذار است به طوری که در سال جاری مـوارد متعددی از تلفات قـوچ و میش و کل و بز را در پناهگاه حیات‌وحش دره انجیر به دلیل گرسنگی داشـتیم. حتی مواردی هـم بوده که حیوان به دلیل گرسـنگی توان راه رفتن هم نداشته و بی‌جان شده. در چنین شـرایطی شکارچیان موتورسوار به راحتی می‌تواننـد این حیوانات را تعقیب کرده و زنده آنها را بگیرند. همدانیان می‌افزاید: خوشبختانه در سیاه‌کوه جمعیت وحوش کمی بهتر است، به طوری که امسال چندین بار خـودم در جریان ماموریت، دسـته‌های ۴۰ تـا ۵۰ تایی کل و بز را دیـدم اما حیرت‌آور این بود که کل و بزها به جای اینکه در نقاط کوهسـتانی سیاه‌کوه باشند به منطقه دشتی آمده بودند که علتش هم گرسـنگی و نبود پوشش گیاهی در کوه بوده که آنها را به سمت دشت کشانده بود.

این کارشناس که پیشتر همکار پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی در یزد بوده، در مورد وضعیت جبیر در زیسـتگاه‌های استان یزد می‌گوید: وضعیت جبیر خیلی خراب اسـت و تنها تعداد کمی در سـیاه‌کوه و دره انجیـر باقی مانده اسـت. در خوشـبینانه‌ترین حالت شـاید تنها ۸۰ جبیر در مناطق‌مان در استان یزد داشته باشیم. آهو هم که به جز کالمند در جای دیگری موجود نیسـت و همین امر وضعیت را برای گوشتخواران به مراتب سخت‌تر می‌کند.

■ شکار یک یوزپلنگ در زیستگاه‌های یزد

وی در مـورد وضعیـت یوزپلنگ در اسـتان یزد می‌گوید: در منطقه سیاه‌کوه امسال وضعیت مشاهده یوزها نسـبت به سـایر مناطق بهتر بوده، به طوری کـه در مجموع سـه بار چندین خانواده یوز توسـط محیط‌بانان مشاهده و فیلمبرداری شده، یک بار یک گروه سـه‌تایی، یک بار هم یـک ماده‌یوز به همراه سه توله و اخیراً هم دو یوز با هم دیده شدند. در دره انجیر هم وضعیت تا حدی قابل قبول است. اما در کنار همه این اخبار امیدوارکننده متاسـفانه چندی قبل پوسـت یک یوزپلنگ شکار شده مقابل اداره محیط زیست یزد رها شد و مالک آن با اداره تماس گرفت و سـاعت ۱۱:۳۰ صبح همان روز موضوع را به اداره اعلام کرد. شکارچی این یوز شناسایی نشده و برخی از کارشناسـان اداره نیز معتقدند آثار برخورد گلوله روی پوست یوز موجود است و عده‌ای دیگر هم از تلف شدن این یوز در اثر تصادف خبر می‌دهند. همدانیان همچنین می‌افزاید: «زیسـتگاه‌های اسـتان یزد در حال حاضر به هیچ عنوان توان و ظرفیت حتی شکار مجاز را هم ندارد و سازمان محیط زیست نباید برای این اسـتان پروانه شکار صادر کند چون ما در استان جمعیت مازاد نداریم و آمارها از کاهش شدید جمعیت وحوش حکایت می‌کند. با این حال شـنیده می‌شود قرار است چندین فقره پروانه شکار صادر شود.» با این حال معاون محیط طبیعی استان یزد چندی قبل در گفت‌وگو با یکی از رسـانه‌ها از احتمال صدور پروانه شکار آهو در منطقه کالمند بهادران خبر داده است!

حیات‌وحـش ایران همچنان به یغما می‌رود؛ هم با مجوزهای شکاری که به اصطلاح به صورت قانونی صادر می‌شـود و هم توسط شـکارچیان غیرقانونی. از سـوی دیگـر خشکسـالی در مناطـق کویری و آتش‌سوزی در مناطق شمالی هم آسیب‌های زیادی به حیات‌وحش وارد سـاخته اسـت، بـه طوری که برخـی محیط‌بانان پـارک ملی گلسـتان از خروج مرال‌ها از برخی مناطق پارک و شـکار آنها توسـط شکارچیان می‌گفتند؛ شکارچیان بی‌رحمی که حتی در میانه آتش و دود هم جانب انصاف و انسـانیت را به جا نیاوردند و وحشـیانه بـه جان گله‌های قوچ و میـش پارک و بعضاً حتی شـوکا و مـرال در پارک ملی گلسـتان افتادند. در کویر نیز وضعیت مشـابه زیستگاه‌های شمالی است. همدانیان از صحنه کشتار یک آهو توسط یکی از بومیان منطقه می‌گوید؛ فردی که بـا موتورسـیکلت آهویی را تعقیب کـرده تا در نهایت حیوان خسـته را گیر انداخته و بعد در حالی کـه روی صورتش را کاملاً پوشـانده و می‌رقصیده، آهو را سـر می‌برد و همکاران این شـکارچی نیز از ایـن صحنه بـا موبایل فیلم تهیـه کرده‌اند. به خدا قسم، چنین برخوردی با حیات‌وحش کشورمان که سرمایه ملی و متعلق به همه نسل‌هاست، روا نیست. کشـتار حیات‌وحش گرسنه و تشنه از خشکسالی و حیات‌وحش وحشـت‌زده از آتش‌سوزی جنگل‌های شـمال نهایت بی‌انصافی و سنگدلی ما ایرانیان است که متاسفانه همه‌روزه صورت می‌گیرد. حیات‌وحش کشـورمان امروز نیازمند اقدامات حمایتی من و تو هسـتند وگرنه فردا که دیگر نسـل یک به یک آنها منقرض شد، فرصتی برای جبران نیست.

کشف لاشه گل و بز باردار از شکارچیان غیرمجاز در استان یزد

سودوکو شماره ۱۱۵

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعـداد گفته می‌شـود که به عنـوان یک سـرگرمی رایج در نشـریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سـطر و سـتون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربـع ۳×۳ اعداد یـک تا ۹ باید نوشـته شـود و در نتیجـه هیچ عـددی نباید تکرار شود.

7				9				
8		5				2		
	2			1				9
		6			1		3	2
			6		4			
1	3		9			6		
6				8			2	
		2				9		4
				4				5

حل سودوکو شماره ۱۱۴

9	8	2	7	6	1	3	4	5
6	7	3	4	8	5	2	9	1
1	4	5	2	9	3	6	8	7
5	9	4	6	1	7	8	2	3
3	2	7	5	4	8	9	1	6
8	6	1	3	2	9	7	5	4
7	3	9	1	5	2	4	6	8
2	5	6	8	3	4	1	7	9
4	1	8	9	7	6	5	3	2

جدول شماره ۱۱۰۷

افقی

۱- کینه‌اش معروف اسـت- نواری تزئینی ۲- سـیب در گویش آذری- اشـعه مجهول- حیوانی پسـتاندار ۳- جایـزه‌ای به نوعروس- دردآور- قـدرت و تـوان ۴- ادب‌آموختـه- قاطر- آواز ۵- بـاران ریزه- روز عرب- ارعاب ۶- مقـام و منزلـت- آیین‌هـای سـنتی- از روزنامه‌های پرشمارگان ژاپن ۷- حمام بخار- واحد شـمارش چلوکبـاب- از گناهان کبیره ۸- شـاگرد مغازه- شـهر مقـدس برهماییان ۹- فن- بازداشـت- بـزدل ۱۰- یغما- مامور عملیـات ویژه نظامی- موجب شـفا به لطف خدا ۱۱- از انواع غسـل در دین اسلام- از نام خانم‌ها- یار پت کارتونی ۱۲- پسوند شباهت- شـیرینی شـاخه‌ای- نازبالش ۱۳- اندک- از گازها- پایتخت کشور کانادا ۱۴- نشانه- سازی زهـی- امیـد، آرزو ۱۵- هم‌جنس و هم‌نوع- نخستین بمب اتم را این شهر تجربه کرد.

عمودی

۱- از مقاطـع تحصیلی- غرامت ۲- زرد انگلیسـی- خراسـان قدیم- دوستان ۳- باران عاشـقانه- شکل، قیافه- شهر و بندری زیبا در هلنـد ۴- دریاچه‌ای در سیسـتان- از صنایع ادبـی- چروک پارچه ۵- اسـب سـیاهرنگ- شـهری در اسـتان اصفهـان- هـزار کیلوگرم ۶- حـرف فاصلـه- آبسـتن- کشـور بلقیس ۷- تظاهر بـه دیانت- موش‌خرما- هنر نمایش ۸- پارچـه کم‌عرض- یک دور بـازی تنیس- لطیفـه- از ظـروف آشـپزخانه ۹- سـامانه- شهرهای عرب- حلقوم ۱۰- نوعی اندازه‌گیری طـول- تـوپ کوچکـی کـه در دوران صفوی بـه پشـت شـتر حمل می‌شـد- میـوه و ثمر ۱۱- پسـوند شـباهت- هـادی الکتریسـیته- بی‌آبرو، ضایع ۱۲- مرکب از ماسـه و سیمان- اسیر و دربند بودن- شیپور گوش ۱۳- نامی که جغرافیدانان یونانی به ایران داده بودند- دارای دمای کمتـر از حد مطلوب- مشـهور ۱۴- از توابـع اسـتان تهـران- واحد پـول جمهوری ازبکسـتان- بدهـی ۱۵- بیمـاری مجانیـن- همسـایه مکزیک و هندوراس.

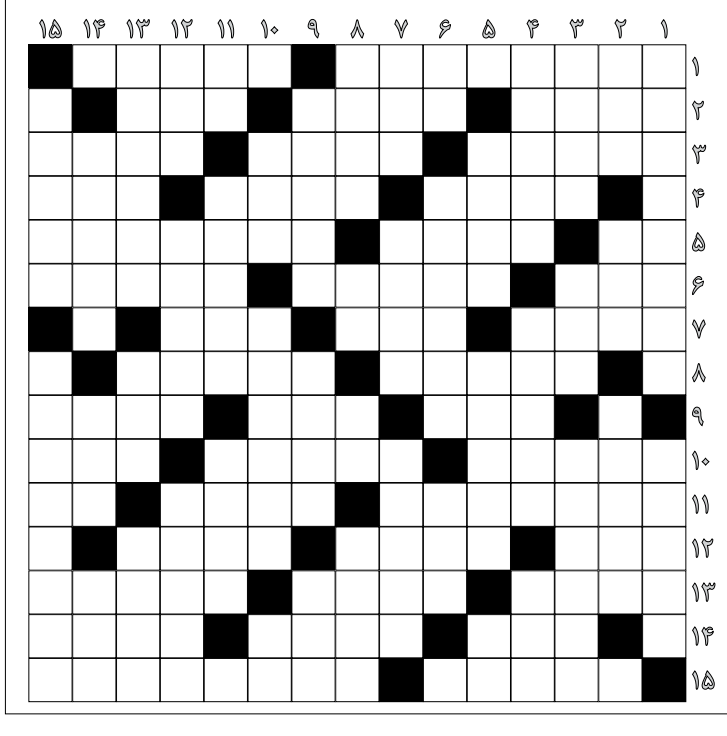
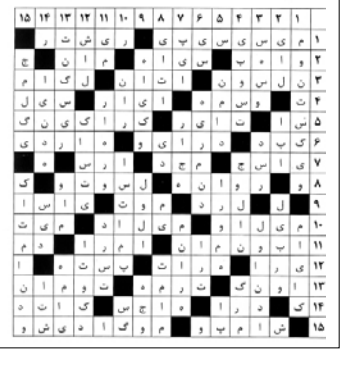
حل جدول شماره ۱۱۰۶